شرق روزنامه
instagram:sharghdaily1 twitter:sharghdaily youtube:sharghdaily Telegram:SharghDaily aparat:tasvirshargh www.sharghdaily.com

نقد

کارزار صدای مردم یا کارسازی سیاسی

علیرضا نادعلی
عضو شورای شهر تهران

باید بدانیم هر مدیریتی که از سطح کلان، مبانی یا جزئی می‌آید، محاسن و معایبی دارد. اگر هرکس ادعا کرد که یک سطح از مدیریت فقط محاسن است، حتما باید به دیده شک به او نگاه کرد و هرکس هم ادعا کرد که یک سطح از مدیریت تماما معایب است، احساس می‌کنیم با یک نگرش سیاسی و یک ذهن از قبل آماده‌شده در مورد یک امر فنی صحبت می‌شود.

درخصوص علیرضا زاکانی، به‌عنوان کسی که شهرداری را از دست دوستان و عزیزانی گرفت که در چهار سال خودشان در موردشان قضاوتی وجود دارد هم، چنین نگاهی وجود دارد. ما در شهر با یک نگاه فنی دیده‌ایم که چه چیزی را تحویل گرفته‌ایم و حالا وضعیت چگونه است. کارهای بزرگی انجام شده و حتما ممکن است ایراداتی هم وجود داشته باشد. به نظر من هم نماینده‌های مردم در شورا و هم خود شهردار تهران باید به نقدهای منصفانه و حتی غیرمنصفانه نگاهی باز داشته باشند؛ این رویه شهید رئیسی هم بود و ممکن بود از چیزی ناراحت هم بشوند. ولی به انتقادات با آغوش باز نگاه می‌کردند. اما نکته دیگری را هم باید بدانیم. به هر صورت اینکه در یک رسانه یا در فضای مجازی کارزاری درست شود، آن‌هم نه برای اصلاح یک رویه مشخص، بلکه برای اینکه بلافاصله پیرو آن عزل یک نفر (آن‌هم شهردار تهران) اتفاق بیفتد، پرسش‌برانگیز است.

درست است که امضاها توسط مردم انجام می‌شود. ولی با شناختی که از فضای پیرامون داریم، غالبا تصورمان به این سمت می‌رود که باز با همان کارسازی‌های سیاسی گروه‌های مرجع و افراد تاثیرگذار سیاسی مواجه هستیم و در واقع، راه‌اندازِ این کارزار کسان دیگری هستند؛ «فعالان رسانه»، «فعالان سیاسی» و کسانی که طی این سال‌ها، عملکردشان مشخص است. ولی به هر صورت باز هم «نظر مردم» محترم است و حتما به آن توجه می‌شود.

رضایت مردم تهران از عملکرد شهرداری

من به‌عنوان یک عضو شورای شهر، دائم بین مردم رفت‌وآمد دارم و در محلات، اماکن ورزشی و مساجد، آن‌هم نه به یک تیپ واحد و ثابت، بلکه با انواع مردم سروکار دارم. من به ۱۷ یا ۱۸ منطقه از ۲۲ منطقه رفته‌ام و با نخبگان با جهات فکری متفاوت و با عموم مردم در مساجد صحبت کرده‌ام. بر این اساس می‌گویم که آنها واقعا از شهرداران مناطق و کارهایی که انجام شده راضی هستند و اگر نقدهایی از ایرادها داشتند، به ما منتقل می‌کردند.

مجموعه این دست صحبت‌ها، صحبت‌هایی نبود که کسی بتواند از قبل نظرسازی و صحنه‌آرایی کند. نظرات مختلف است و حتی با همه این رفت‌وآمدهای ما و دستاورد‌هایی که از نظر مردم داریم، نمی‌خواهم ادعا کنم که همه از هر آنچه در شهر تهران می‌گذرد، راضی هستند؛ ولی باید این مسئله را کسی شفاف‌تر و منطقی‌تر دید و کسی را که با سختی و زحمت کار می‌کند، به خاطر نکته و بحث، زیر سؤال نبرم. همان‌طور که پیش از این، در بحث مسجد قیطریه هم (که موضوعات مورد بحثش هیچ‌کدام در صحبت واقعی وجود نداشت و به نحو درست مدیریت می‌شود) اتفاق داده شد و... .

مردم به اعضای شورا اعتماد کنند

به نظرم باید بحث‌ها به افراد فنی بسپاریم تا بررسی کنند و به مردم گزارش کنند تا آن وقت مردم نظر بدهند. فکر می‌کنم مردم باید به ما (به‌عنوان نمایندگان خودشان) در این حد اعتماد داشته باشند. حتی اگر به این هم بسنده نکنند، کسانی که فنی هستند در این صحنه‌ها در کنارمان حضور داشته باشند.

به‌عنوان مثال اهالی رسانه این نمایندگی را دارند. ما بارها و بارها در پروژه‌های مختلف اهالی رسانه را برده‌ایم و آنها بر سروِ‌کارمون حضور پیدا کرده‌اند و نظرشان را داده‌اند؛ اما متأسفانه فضاهای رسانه‌ای نیست که خیلی حرف‌های مثبت بیان شود. اگر اتفاقی منفی در کوشه‌ای بیفتد بلافاصله به خط اول خبر تبدیل می‌شود و شاید اصلا خاصیت خبر این‌گونه باشد و قصد دیگری نباشد؛ اما معمولا کسی اگر بخواهد اتفاقات مثبت را انعکاس دهد، فکر می‌کند کارش از جنس تملق و چاپلوسی و ریزتاژ اگهی است؛ در این شرایط اگر به این رویکردهای افراطی و تفریطی، تعادل بدهیم، با دانستن واقعیت‌ها، دیدگاه‌های مردم در قضاوت راجع به افراد و مدیران تفاوت پیدا می‌کند.

بکوبید کجا حصارکشی کردم‌اید؟

اینکه عقیده می‌شود مورد به حصارکشی‌ها و تخریب فضای سبز انتقاد دارند، باید مطالعه مورد‌ی شود؛ یعنی جا دارد درمورد حصارکشی، مسائل بوستان‌ها و مفاسد صحبت شود. ایجاد چهارهزارو ۷۵۰ هکتار فضای سبز طرف دو، سه سال گذشته، ضدیت با فضای سبز نیست. درخصوص حصارکشی بکوبید در کجا حصارکشی کردیم و به ما نشان دهید تا خودمان بدانیم این حصارکشی در کجا در دوره مدیریت شهری شورای ششم و شهرداری اتفاق افتاده است؟

درخصوص قیطریه هیچ درختی قطع نشده و قرار هم نیست قطع شود و حتی قرار بود دو درخت جابه‌جا شود که خوب شهردار قبل از همه کارزارها و افشاگری‌ها حضور پیدا کرده بود و دستور داده بود که این دو درخت از صحنه حذف نشوند و حفظ شوند. در صحن و حیاط مسجد قرار بگیرند که درباره اینها هیچ‌کس (مثلا کسی که کارزار را راه انداخت و کسی که سوار بر این جریان شد و کارزار را در روزنامه منعکس کرد) حرفی نزدند.

تصمیم‌گیری‌ها نتیجه کارزارها نبود

باید به این واقعیت اشاره کرد که این تصمیم‌گیری‌ها نتیجه کارزارها و درخواست‌های مردمی نبود و تصمیم‌ها قبل از کارزار گرفته شده بود. اگر کارزاری در امر مثبتی اتفاق بیفتد حتما در تصمیم‌گیری مدیران هم تأثیر مثبت خواهد گذاشت. برخورد سلیقه‌ای گاهی اوقات باعث می‌شود کاری که فرد به‌سختی انجام می‌دهد، دیده نشود. چندی پیش کسی را از دست دادیم که همه دریادلش در قضاوت‌شان، او را تصحّر و به او ظلم می‌کردند و حرف‌هایی می‌زدند که صحت نداشت. خیلی از ما هم که طرفدار و همراستا با شعبه رئیسی بودیم، بعد از شهادت او، صحنه‌هایی از خدمات شبانه‌روزی‌اش دیدیم که از خیلی‌هایش خبر نداشتیم. افرادی را که شبانه‌روز صادقانه کار می‌کنند هم نقد کنیم و به کارشان نظارت کنیم تا هم اصلاح شوند و هم ایجاد به‌هیچ تلاش صادقانه‌شان را برای مسیر صرف نکنند تا شاید بتوانیم چند قدم جلوتر بگذاریم و به سمت جلو پیش برویم.

مشکل زاکانی است یا صندلی شهردار

نگاهی متفاوت به کمپین برکناری علیرضا زاکانی، شهردار تهران

فرانک جواهری

پست شهرداری تهران چنان همیشه با حاشیه همراه بوده که گاه دیدن حقیقت از پس این حاشیه‌ها دشوار است. کارزاری برای برکناری زاکانی با ۱۶۰ هزار امضا خبرساز شده است و رسانه‌های مختلف مدام روی آن مانور می‌دهند. رسانه‌های غیرهمسو با زاکانی آن را فریاد مردم شهر تهران برای تغییر و رسانه‌های همسو با زاکانی آن را صرفا یک حرکت سیاسی و تلافی‌جویانه می‌دانند. اما واقعیت چیست؟ آیا زاکانی به دلیل عملکردش در شهرداری تهران و جایگاه سیاسی‌اش، مدام به‌عنوان سوژه نامحبوب در کارزارهای مختلف مطرح می‌شد یا اینکه جایگاه شهردار در بایتخت کشوری غرق در تورم و تحریم است که او را هدف آسانی برای حمله قرار داده است؟ پاسخ روشن است؛ ترکیبی از همه این موارد اوّ را در این موقعیت قرار داده است. او یک اصولگرای تندرو و به قول محمد مهاجری، فعال سیاسی اصولگرا، «بداخلاق» است. اینکه دو بار در انتخابات ریاست‌جمهوری به نفع کاندیدایی دیگر کنار گشید، هرچند مدام در مناظره برای ماندن اصرار داشته، بی‌تردید به نفع محبوبیت او عمل نکرده است. طرح‌هایی همچون طرح حجاب‌یار در مترو و ساخت‌وساز در پارک لاله و پارک قیطریه هم بازارهایی هستند که چهره او را به‌عنوان شهردار برای مردم شکل داده‌اند. بااین‌حال، در گفت‌وگو با یک کنشگر شهری، یک جامعه‌شناس و یک فعال سیاسی و مروری بر کارزارهایی که علیه او شکل گرفته است، سعی کردیم پاسخ این پرسش را روشن‌تر کنیم.

زاکانی چطور شهردار اداره می‌کند؟

به زبان ساده، زاکانی تهران را به شیوه قالیباف با تراکم‌فروشی یا همان تخلف‌فروشی و قانون‌فروشی اداره کرد. شیوه‌ای که در دوران کرباسچی به راه افتاد. شیوه‌ای که گفتمان در انتهای ۱۲ سال سعی داشت با ایجاد درآمدهای پایدار، جلوی آن را بگیرد، اما موفق نشد. تجفی فرصت نکرد و حناچی فقط توانست ترمز آن را بکشد و توانست رینه آن را خنثی کند. این همان روندی است که کار شهر را به پارک‌فروشی و نابودی باغ‌ها کشانده است. یک شهر پارزحم که درآمدش فروخت شد. به قول حسن عابدی‌جعفری، مجری طرح سنجش فساد در شهرداری تهران در زمان قالیباف، «نداشتن درآمد ثابت، مستمر و کافی باعث شده شهرداری به دنبال کارهای غیرقانونی برود. فساد چه معنایی به جز تخلفی از قانون دارد؟ فساد به معنای زیر پا گذاشتن قانون است. به‌همین‌دلیل، شهرداری به یک برج با وجود تخلفات گسترده اجازه ساخت می‌دهد؛ چراکه به دنبال درآمدزایی است. این روند عین فساد است».

مروری بر کارزارهایی که علیه زاکانی به‌عنوان شهردار شکل گرفته‌اند

کارزار اول: انتخاب او قانونی نیست

در سال ۱۴۰۰ بعد از اینکه علیرضا زاکانی به نفع ابراهیم رئیسی از انتخابات ریاست‌جمهوری کنار کشید، توسط شورای ششم -لیست برنده شورای ائتلاف انقلاب اسلامی- به‌عنوان شهردار جدید شهر تهران انتخاب شد. همان زمان، حتی پیش از آنکه توسط شورا انتخاب شود، کارزاری در مخالفت با انتخاب او به‌عنوان شهردار در سایت کارزار به راه افتاد. یعنی کارزار برکناری زاکانی که این روزها درباره‌اش زیاد می‌شنوید، در حقیقت یکی از چند کارزاری است که علیه او به‌عنوان شهردار به راه افتاده و تا امروز حدود ۱۶۰ هزار امضا جمع کرده است. البته در پاسخ به این کارزار، کارزاری با عنوان «حمایت از شهردار مؤمن و انقلابی تهران و درخواست ابقای ایشان» با بیش از ۲۰۰ هزار امضا از شش روز پیش آغاز شده است. اما موضوع کارزار اول چه بود؟ یکی از نخستین کارزارها برای برکناری زاکانی، در سال ۱۴۰۰ از سوی برخی از شهرسازان، کارشناسان حقوقی و شهروندان تهرانی به راه افتاد. آنها به حکم دیوان عدالت اداری اعتراض کردند و آن را غیرقانونی دانستند. در این کارزار که به امضای بیش از ۳۱ هزار نفر رسیده بود، ابهامات قانونی‌بودن انتخاب زاکانی به‌عنوان شهردار تهران مطرح شده بود. این کارزار خطاب به وزیر کشور بود و امضاکنندگان تأکید داشتند انتخاب زاکانی به‌عنوان شهردار تهران، با قوانین و مقررات حاکم بر شرایط اجرای تحدی سمت شهرداران بر اساس آیین‌نامه‌ای که در هیئت وزیران تصویب شده بود، مغایرت دارد. هدف این آیین‌نامه آن بود که شهرداران بر اساس تخصص انتخاب شوند.

در متن کارزار آمده بود: «برخلاف بند ۶ ماده ۳ «آیین‌نامه اجرایی شرایط اجرای تحدی سمت شهردار» مصوب ۱۳۹۷، ایشان فاقد ۵ سال سابقه مدیریت ارشد است. مسئله به «دستورالعمل اجرایی نحوه انتصاب و انتخاب مدیران حرفه‌ای» مصوب ۱۳۹۵، مدیران ارشد به‌عنوان مدیران حرفه‌ای در دستگاه‌های اجرایی سابقه فعالیت دارند و طبق ماده ۱۱ قانون مدیریت خدمات کشوری، نمایندگی مجلس مقام سیاسی به شمار آمده و از نظر قانونی، سابقه مدیریتی محسوب نمی‌شود. افزون بر این، بر اساس بخش‌نامه ابلاغی وزیر کشور، ایشان فاقد «حداقل مدرک کارشناسی مرتبط» است».

پاسخ زاکانی به کارزار اول: آیین‌نامه انتخاب شهردار شامل حال تهران نمی‌شود.

پاسخ امضاکنندگان: کافی است قانون را بخوانید.

اما شهردار تهران در واکنش به منتقدان قانونی‌بودن حکم خود، اعلام کرد: «مشکل این است که منتقدان به آیین‌نامه و دستورالعملی که ناظر بر انتخاب شهرداران غیرکلان‌شهرهاست استناد می‌کردند تا انتخاب بنده را در این حوزه غیرقانونی جلوه دهند. این در حالی است که دستورالعمل فوق، ناظر بر نحوه انتخاب شهرداران شهرهای زیر یک میلیون نفر بود و با این آیین‌نامه در نظر داشتند برای اداره شهر تهران تصمیم بگیرند؛ درصورتی‌که حتی نمی‌توان با این دستورالعمل برای شهرهای بالای یک میلیون نفر نیز تصمیم گرفت، چه برسد به شهر تهران».

این در شرایطی بود که به راحتی با استناد به متن آیین‌نامه می‌توان صحت ادعای منتقدان را تایت کرد. کافی است برای مشاهده آیین‌نامه به سایت پایگاه اطلاع‌رسانی قوانین و مقررات کشور مراجعه کنید.

در هر صورت، زاکانی انتقاد مخالفان به حکمش را غیرواقعی خواند و گفت: منتقدان با این جریان و با استفاده از ظرفیت رسانه‌هایی که داشتند، ابهام‌آفرینی کردند. شورای شهر تهران نسبت به شفاف‌سازی این مسئله ورود پیدا کرد و معلوم شد این انتخاب قانونی است. از سوی دیگر بررسی‌های دیوان عدالت اداری مشخص کرد انتخاب شهردار تهران مستثنا از دستورالعمل انتخاب شهرداران غیرکلان‌شهرهاست.

کارزار برکناری زاکانی چرا به راه افتاد؟

یکی از پرامناقشرین کارزارهایی که در نقد زاکانی به راه افتاد، کارزار جلوگیری از تخریب پارک قیطریه در اسفند سال ۱۴۰۲ بود. بعد از آنکه تعداد امضاهای این کارزار از ۱۴۰ هزار نفر گذشت، فروردین ۱۴۰۳ کارزار دیگری به راه افتاد با هشتگ «شهردار-خوب-کجاست. در این کارزار درخواست برکناری شهردار تهران مطرح شده و خطاب به اعضای شورای شهر تهران چنین آمده است: «همان‌طور که مستحضرید، در مخالفت با دارای قیطریه کارزاری به راه افتاده که تاکنون از مرز صدوچهل هزار امضا گذشته و این عدد مدام در حال افزایش است. شهروندان تهرانی محق به داشتن شهرداری هستند که توانایی ساخت طرح‌های جامع به‌عنوان قوانین بالادست فقط دست‌وپاگیر هستند. وقتی چنین رویکردی را در مدیریت شهری نسبت به ضوابط و قوانین می‌بینیم، طبیعی است که شهر با چالش مواجه می‌شود.

فقدان تجربه اجرائی شهردار تهران، خود را امروز در شهر نمود داده است. می‌بینیم که این فقدان تجربه فقط مختص به شهردار نیست و مدیرانی که با خود آورده است نیز تجربه اجرائی مرتبط نداشت. تصور ما این بود که وقتی انتصاب یک شهردار از همین ابتدا غیرقانونی باشد، در ادامه بخشی از عملکرد او نیز غیرقانونی خواهد بود. همان‌طور که در ادامه و فعالیت جنسالانه ایشان هم دیدیم. شاهد بودیم که از همان ابتدا، شورای شهر تهران مصوبه‌ای را که مبنی بر ممانعت از ساخت‌وساز در باغ‌ها بود، لغو کرد. وقتی شاهد بودیم شورای شهر برای انتخاب شهردار، قانون را دور زد، این اقدامات غیرقابل پیش‌بینی بود. این در شرایطی بود که می‌توانستند شهرداری منطبق بر آیین‌نامه، باتجربه و از نظر سیاسی همسو انتخاب کنند. ما انتظار داشتیم بر اساس الگوی فکری خودشان، شهرداری بر اساس آیین‌نامه انتخاب شهرداران در هیئت وزیران انتخاب کنند. این اصرار برای دورزدن این روند، نشان‌دهنده عزمی بوده که باعث می‌شد ما برای شهر احساس خطر کنیم.

کارآمدسازی

چیزی که برای ما مهم بود، پایبندی به روند قانون بود. همین موضوع در عملکرد آقای زاکانی هم متجلی است. نگرانی‌ای که درباره نقض قانون در عملکرد داشتیم، در عمل مشاهده کردیم. مهم‌ترین آن، تشکیل انواع قرارگاه‌های غیرنهاد در سطح شهر تهران است. قرارگاه‌ها قوانین را دور می‌زنند و در آنها تصمیماتی گرفته می‌شود که فاقد پشتیبانی قانونی است و اینها مبنای عمل قرار می‌گیرد. مانند قرارگاه مسکن که در حوزه ساخت‌وساز مصوباتی دارد که نهادی کارشناسی شهر، کمیسیون ماده ۵ را دور می‌زند.

این قرارگاه‌ها در حوزه‌های اجتماعی نیز فعالیت می‌کنند. درواقع ساختارسازی‌هایی هستند که شفافیت کافی را ندارند. برای مثال، شهرداری قرارگاه جمعیت ایجاد کرده است؛ معلوم نیست این قرارگاه‌ها چه کاربردی دارند؟ آیا فقط یک‌سری دکان هستند که در آنها حامی پروش می‌دهند؟ این قرارگاه‌ها یکی از نهادهای دورزدن قانون بود که ما کنشگران شهری نگران آنها بودیم. نمونه دیگر، تغییرات ساختاری در شهرداری بود که بدون تصویب شورای شهر تهران صورت گرفت.

با اتفاقاتی که در زمینه هوشمندسازی شهر اتفاق افتاد. برای مثال سامانه شهرزاد به جای سامانه تهران من شروع به کار کرد. شاهد هستیم که اشکال مختلفی از تصمیمات بدون کمیته به تصویب شورا برسد، با دورزدن شورای شهر به انجام می‌رسد. نمود نقض قانون را در بحث ساخت‌وساز پارک‌ها می‌بینیم. مدام برای ساخت‌وساز در پارک‌ها بهانه می‌تراشند. برای مثال برای ساخت مسجد در پارک، تقاضای مردمی وجود داشت یا ما به وظیفه دینی خود عمل کردیم. پس تکلیف قانون چه می‌شود؟ نمی‌شود که قانون را کنار گذاشت و به دلخواه شهر را اداره کرد.

دورزدن قانون

نمود دیگر، نحوه تعامل با شورای عالی معماری و شهرسازی به‌عنوان نهاد بالادست کمیسیون ماده ۵ است. می‌دانید که مصوبات کمیسیون ماده ۵ باید تایید معاون معماری و شهرسازی وزارت راه و شهرسازی برسد و اگر مورد تأیید نباشد، باید در شورای عالی معماری و شهرسازی مطرح شود. بااین‌حال، علنا شاهد بودیم که آقای زاکانی اعلام کرد شورای عالی معماری و شهرسازی مانع است و آنها درخواست‌هایشان درخصوص نظارت بر طرح‌های شهری و کمیسیون ماده ۵ دارای تصور باطلی هستند. به طور قلبی می‌گویند طرح‌های تفصیلی و طرح‌های جدید و افزایش سرانه فضای سبز را داشته باشد. در کلان‌شهری که در بیشتر روزهای سال از هوای آلوده و بمباران شیمیایی ناشی از بنزین غیراستاندارد پتروشیمی و خودروهای فرسوده و بی‌کیفیت داخلی رنج می‌برد و هرساله هزاران نفر بر اثر بیماری‌های تنفسی و قلبی جان می‌دهند و تعداد زیادتری مخصوصا از جامعه زنان کشور بر اثر بی‌تحرکی ناشی از کمبود و نبود فضای سبز کافی و بیست دوچرخه‌سواری دچار انواع بیماری‌های جسمی و روحی و اضافه‌وزن و افسردگی می‌شوند؛ درحالی‌که مسئولین شهری و کشوری هیچ عزم و تدبیری برای حل این معضلات بزرگ زیست‌محیطی و خسارت‌های مادی و جانی ندارند و شهردار تهران به جای توسعه فضای سبز پارک‌ها، میل وافری به تراکم‌فروشی و پارک‌خواری و تغییر کاربری فضای سبز پارک‌های موجود به مسجد، هتل، برج، رستوران و شهربازی و فضاهای اداری و تجاری و کسب درآمد از پارک‌ها دارد».

آیا رای‌ها واقعی است؟

مهدی چمران، رئیس شورای شهر تهران، از نخستین افرادی بود که به این کارزار واکنش نشان داد. او به خبرنگاران گفت به این کارزارها توجه نکنید، اینها کارزار نیست و نمی‌دانم چه بگویم. شهردار را شورای شهر تعیین می‌کند. حالا هر تعداد امضا هم جمع شده باشد دلیل نمی‌شود که تغییری صورت بگیرد، بلکه باید مسیر قانونی طی شود. از سوی دیگر، تغییر مدیریت‌ها در میانه کار نتیجه‌ای جز متوقف‌کردن کار ندارد. سیستم کشور ما کارزاری نیست، بلکه انتخاب است. اگر کارزاری باشد باید برای رئیس‌جمهور هم وجود داشته باشد که قطعا چنین چیزی امکان‌پذیر نیست. او معتقد بود که معلوم نیست چه کسانی این کارزارها را امضا می‌کنند و ممکن است خارج از کشور باشند. اما حامد بیدی، مدیر و بنیان‌گذار مجموعه کارزار در واکنش به این ایهام که آیا از خارج ایران می‌توان این کارزار را امضا کرد، می‌گوید: برای امضای کارزار محدودیتی از نظر شهر یا کشور وجود ندارد. اما ما امکان امضا با شماره موبایل خارج از ایران را نداریم و حداکثر ۲۰ درصد از امضاها می‌توانند از طریق ایمیل ثبت شوند. درنتیجه حداکثر ۲۰ درصد از امضاکنندگان می‌توانند، خارج‌نشین باشند؛ طبعا هرکسی که با ایمیل امضا می‌کند، ایرانیِ خارجی نیست.

واکنش زاکانی؛ سراسر تهمت است

برخورد علیرضا زاکانی، شهردار تهران با این کارزار ساده نخستین کارزار بود؛ انکار مخالفان. او در حاشیه جلسه هیئت دولت درخصوص کارزار گفته است: من مدام با خودم؛ سراسر تهمت و غیرقانونی بود. تعجب کردم؛ نمی‌دانم از کجا چنین کارزارهایی ایجاد می‌شود.

واکنش‌ها به کارزار در صحن شورا؛ نمی‌توان بی‌تفاوت بود / اینها کار اصلاح‌طلبان زخم‌خورده است

اما ماجرای این کارزار به صحن شورای شهر تهران هم کشیده شد. مهدی افراریان در تذکری در صحن شورای شهر گفت نمی‌توان به دغدغه دهها هزار هموطن درمورد شهردار تهران بی‌تفاوت بود. انتخاب او عزل شهردار برعهده شوراست و مطابق قانون عزل آقای زاکانی به ۱۴ رای نیاز دارد. اگر هموطنان این موضوع را دنبال می‌کنند باید اعلام کنم که شهردار در شورا موافقین و مخالفین جدی دارد و بنده صراحتا می‌گویم که منتقد ایشان هستم. در همین دوره مدیریتی، عزل شهردار در شهرهای دیگر اتفاق افتاده و چیز عجیبی نیست؛ اما با توجه به مدت زمان کم باقی‌مانده تا پایان مدیریت شهری، ممکن است عزل شهردار تبعاتی داشته باشد و اگر قرار بر تغییر باشد باید مراتب آن سنجیده شود.

پرویز سروری هم در واکنش به این تذکر با تاکید بر اینکه امروز روز انسجام نیروهای انقلابی است، گفت: شرایط کشور ایجاب می‌کند که نیروهای انقلابی با هم همدل و همراه باشند. و اینکه ما مسئله اعضای گروهی که مشخص نیست چه کسانی هستند، مطرح کنیم درست نیست. ما به‌عنوان نماینده شورا باید مدافع حقوق شورا باشیم. اگر این روند مخرب و پوپولیستی قرار باشد ادامه پیدا کند، فردا برای رئیس‌جمهور و وزیر هم این امضاها جمع می‌شوند که درست نیست. ما به‌عنوان اعضای شورا نباید از قضایی که شهر را به هم می‌ریزد، حمایت کنیم و به آن ضرب دهیم. این کار توسط گروه اصلاح‌طلبی که در انتخابات ریاست‌جمهوری زخم خوردند، ایجاد شد و همه قبول دارند کسی که از مبانی نظام دفاع کرد، آقای زاکانی بود. از اینکه عده‌ای با خوشحالی به این موضوع ضرب دادند، تعجب می‌کنم. ما در چنین شرایطی به همدلی و وفاق نیاز داریم. اقداماتی که در حوزه حمل‌ونقل، فضای سبز، آسفالت و دیگر بخش‌ها انجام می‌شود، کارنامه ماست و نباید آتش به کارنامه خود بزنیم. نباید پس از انتخابات پرچالش، مردم را در فرایند کاذب قرار دهیم.

کارزار حمایت از زاکانی؛ شهردار مؤمن و انقلابی تهران باید بماند

پس از داغ‌شدن کمپین خداحافظی با زاکانی، کارزاری درحمایت شهردار تهران شکل گرفت. این کمپین حمایتی با عنوان حمایت از شهردار مؤمن و انقلابی تهران و درخواست ابقای ایشان از ۱۸ تیر و بعد از انتخابات ریاست‌جمهوری ثبت شده است. تا الان بیش از ۲۰۰ هزار نفر این کارزار را امضا کردند. تلاش کردیم با آغازگر کمپین حمایتی تماس بگیریم؛ اما پاسخ تلفن و پیغام‌های خبرنگار ما را نداد.

امضاهای این کمپین از کمپین برکناری شهردار تهران پیشی گرفته است. کمپین درخواست برکناری شهردار تهران که از ۲۲ فروردین ۱۴۰۳ آغاز به کار کرده است، تا امروز حدود ۱۶۰ هزار امضا جمع کرده است. تلاش کردیم با آغازگر این کمپین هم صحبت کنیم. اما تلفن او به‌کل از دسترس خارج بود.

آیا شهردار می‌رود؟

پاسخ به این سؤال را که آیا در واکنش به این کارزار شهردار تهران تغییر خواهد کرد یا خیر، فقط زمان خواهد داد. اما مروری بر واکنش اعضای شورای شهر تهران نشان می‌دهد بعید است تغییری در مدیریت شهری رخ دهد. بااین‌حال شاید این کارزار و در ادامه واکنش رسانه‌ها توانسته است پیام خود را برساند.

عبدالمطهر محمدخانی، سخنگوی شهرداری تهران در صفحه شخصی خود به این کارزار واکنش نشان داد و نوشت: «پویش‌های مجازی روشی مدنی برای مطالبه‌گری می‌خوانند. اما نمی‌توانند جایگزین صندوق رأی شود. پویشی که انتخابات را تضعیف کند مقابله با آرای مردم است. از عزیزانی که با قدرشناسی و در پاسخ به کارزار سیاسی به حمایت پرداختند، ممنونم، اما انتخابات تمام شده و مسیر پیش‌رو مسیر خدمت است».

آیا این کارزار صدای مردم تهران بود؟

این کارزارها می‌توانست صدای برای سنجش رضایت شهروندان تهرانی از شهرداران باشد؛ اگر امکان ثبت امضا توسط تمام‌قد برای شهروندان تهران بود. اینکه از تمام کشور بتوانند در رأی‌گیری برکناری شهردار شرکت کنند یا درخواست بافی‌ماندن او را داشته باشند، یکی از ضعف‌های این کارزارها است و خواسته نشان می‌دهد شاید شهردار تهران چهره طبق محبوبی نباشد. ماندن یا نماندن شهردار تهران هم از مسیر شورای شهر تهران می‌گذرد و به نظر نمی‌رسد جز ۱۰ منتقد همیشگی، عضو جدیدی به جمع آنها اضافه شده باشد.

مخالفین جدی دارد و بنده صراحتا می‌گویم که منتقد ایشان هستم. در همین دوره مدیریتی، عزل شهردار در شهرهای دیگر اتفاق افتاده و چیز عجیبی نیست؛ اما با توجه به مدت زمان کم باقی‌مانده تا پایان مدیریت شهری، ممکن است عزل شهردار تبعاتی داشته باشد و اگر قرار بر تغییر باشد باید مراتب آن سنجیده شود.

پرویز سروری هم در واکنش به این تذکر با تاکید بر اینکه امروز روز انسجام نیروهای انقلابی است، گفت: شرایط کشور ایجاب می‌کند که نیروهای انقلابی با هم همدل و همراه باشند. و اینکه ما مسئله اعضای گروهی که مشخص نیست چه کسانی هستند، مطرح کنیم درست نیست. ما به‌عنوان نماینده شورا باید مدافع حقوق شورا باشیم. اگر این روند مخرب و پوپولیستی قرار باشد ادامه پیدا کند، فردا برای رئیس‌جمهور و وزیر هم این امضاها جمع می‌شوند که درست نیست. ما به‌عنوان اعضای شورا نباید از قضایی که شهر را به هم می‌ریزد، حمایت کنیم و به آن ضرب دهیم. این کار توسط گروه اصلاح‌طلبی که در انتخابات ریاست‌جمهوری زخم خوردند، ایجاد شد و همه قبول دارند کسی که از مبانی نظام دفاع کرد، آقای زاکانی بود. از اینکه عده‌ای با خوشحالی به این موضوع ضرب دادند، تعجب می‌کنم. ما در چنین شرایطی به همدلی و وفاق نیاز داریم. اقداماتی که در حوزه حمل‌ونقل، فضای سبز، آسفالت و دیگر بخش‌ها انجام می‌شود، کارنامه ماست و نباید آتش به کارنامه خود بزنیم. نباید پس از انتخابات پرچالش، مردم را در فرایند کاذب قرار دهیم.

نگاه

زاکانی؛ سیاسی پرحاشیه

محمد مهاجری
فعال سیاسی اصولگرا

جدا از انتقادهایی که به عملکرد زاکانی در شهرداری وجود دارد، بی‌تردید این کمپین تحت تأثیر چهره سیاسی علیرضا زاکانی قرار گرفته است. آقای زاکانی از سال‌ها قبل به‌عنوان یک چهره سیاسی تندرو در جامعه شناخته شده است. زمانی که نماینده مجلس بود، زیاد در جلسات حضور پیدا نمی‌کرد و معمولا جزء افراد پرغیبت بود. مرحوم آقای روح‌الله حسینیان به‌شدت معترض می‌شود که چرا آن‌قدر به آقای زاکانی مرخصی می‌دهند تا ایشان به کارهایش برسد؟ چرا بقیه نماینده‌ها از این امتیاز استفاده نمی‌کنند؟ بنابراین در دوران مجلس، ایشان چنین وضعیتی داشت. زمانی که ایشان به‌عنوان رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس انتخاب شد، مبالغی را برای بودجه درخواست کرد و شروع به استخدام‌هایی در قم و تهران کرد. من این خبر را منتشر کردم و ایشان از من شکایت کرد و بنده به دادگاه رفتم و در دادگاه تبرئه شدم. بنابراین همیشه فعالیت‌های سیاسی برحاشیه ایشان از آنچه در متن انجام می‌دهد، پررنگ‌تر است. ایشان زمانی که در سبج دانشجویی کار می‌کرد هم جزء فعالان سیاسی برحاشیه بود. ایشان در دو دوره از انتخابات ریاست‌جمهوری به‌عنوان کاندیدای یونشی شرکت کرد. بسیاری از فعالان سیاسی ازجمله فعالان سیاسی اصولگرا، متوجه نشدند که شورای نگهبان با کدام رزومه ایشان را هر بار تایید صلاحیت می‌کند! البته این بحث درباره آقای قاضی‌زاده هاشمی هم وجود داشت که چرا ایشان تأیید صلاحیت شد تا به‌عنوان یک چهره ملی در انتخابات ریاست‌جمهوری شرکت کند؟ آقای زاکانی همیشه نشان داده است یک شخصیت درجه سه، چهار سیاسی است.

تهران بدون زاکانی چطور اداره شد؟

ایشان اصولا در فضاهای اختلاف‌برانگیز حضور فعالی دارد و در دسته‌بندی افراد تندرو به حساب می‌آید. زمان انتخابات چیزی روشن شد؛ به نظر می‌آمد تهران بدون ایشان هم همان‌گونه اداره می‌شد که ایشان حضور داشت. یعنی بود و نبود ایشان تفاوتی اساسی نداشت. این قرارداد پرشبهه، پرسؤال و پر از پرسشی هم که با چینی‌ها بستند، کماکان به‌عنوان یکی از موارد مبهم و ابهام‌برانگیز در پرونده ایشان وجود دارد.

شهرداری باشگاه سیاسی شد

تمام کسانی که شبیدند ایشان به شهرداری می‌رود، نظرشان این بود که او به شهرداری می‌رود تا آنجا را به یک باشگاه سیاسی تبدیل کند. شهرداری قرار نیست یک دستگاه خدماتی باشد. می‌توان این رویکرد را در سطح شهر و روزنامه همشهری دید. به نظر من تهران در این سه سال خیلی پیشرفتی به سمت جلو نداشته است. ممکن است اعلام کنند ما چند کیلومتر از فلان آتوبان را ساختیم؛ مگر قرار است شهرداری کار دیگری هم انجام دهد؟ مگر وظیفه شهرداری تهران چیست؟ به نظر من نسبت به دوره‌های قبل، شهردار برگاری نبود. تمدا بارهای سیاسی در این مدت همیشه پررنگ‌تر جلوه کرد. رقابت‌زدن در شهرداری به نوعی شبیه آقای احمدی‌نژاد است. به افراد و نهادهای مثل وحدت، شورای عالی معماری و شهرسازی که خواستار شفافیت، رقابت و روشنگری بودند، به‌شدت صفه می‌کرد.

سیاست‌بازترین شهردار

او حاضر نبود هیچ انتقاد و نظارتی را بپذیرد. هموواره سعی می‌کرد با تحقیر و سرزنش نظارت و منتقدان برخورد کند. شاهدیم که در جلسات شورای شهر، هم خودش و هم معاونانش همین‌گونه با اعضا برخورد می‌کردند. در کل احساس می‌کنم ایشان یکی از صفحه‌ترین و سیاست‌بازترین شهرداران ایران بعد از انقلاب است. درباره اینکه سیاسی او باید بکویم او همیشه در دسته سه و چهار بازی می‌کرده و در دسته یک نبوده است. هیچ وقت شخصیت بزرگ سیاسی نبوده است؛ همیشه اصولگرایی افراطی، تندرو و بداخلاق محسوب می‌شده. آقای زاکانی هیچ آینده سیاسی‌ای ندارد؛ هیچ‌کس در نظام سیاسی او را جدی نمی‌گیرد. به نظر من تأیید صلاحیت ایشان در مجلس و انتخابات ریاست‌جمهوری صرفا برای تکمیل بازی‌های سیاسی بوده است. به نظر حتی نزدیکان ایشان هم می